

Revisiting the Ottoman Siege of Baghdad during the Reign of Shah Abbas I of the Safavids: A Documentary Re-reading Based on Unpublished Sources

Ali Abolkasemi¹

This article, drawing on the lesser-known manuscript *Makātib-e Mukhtalifa* (*Various Correspondences*), revisits the Siege of Baghdad in 1036 AH (1626 CE) during the reign of Shah Abbas I. Unlike most previous studies, which have relied primarily on historiographical sources, the present study seeks to analyze the diplomatic and military dimensions of this event from the perspective of primary sources by examining the correspondence exchanged between Zaynel Khan Shamlu, the Qizilbash Commander-in-Chief, and Hafiz Ahmed Pasha, the Ottoman Grand Vizier. Comprising nine letters written in Turkish, these correspondences provide access to a distinct level of information, including military strategies, decision-making logic, and the psychological atmosphere prevailing in the opposing camps. The central research question is what image these correspondences present of the military and diplomatic dimensions of the siege and in what ways they differ from Safavid and Ottoman historiographical narratives. The research hypothesis is that correspondence documents, as compared to narrative sources, offer more precise and detailed information regarding field conditions, military strategies, and diplomatic interactions. Employing a historical-analytical method, the study involves the critical editing, translation, and content analysis of the correspondences, followed by their comparison with Safavid and Ottoman sources. The findings indicate that the Siege of Baghdad was not merely a military confrontation but also an arena of prestige rivalry and diplomatic engagement; the Qizilbash sought direct battle, while the Ottomans aimed to avoid it and sustain a war of attrition. Moreover, the shift in the tone of the correspondence from provocation and incitement to reconciliation reflects the evolving military and political conditions of both parties. Accordingly, the *Makātib-e Mukhtalifa* manuscript can contribute to a more precise reconstruction of the political and military logic of the Siege of Baghdad and of Safavid–Ottoman relations, while supplementing existing narratives.

• **Keywords:**

Iran, Safavid, Shah Abbas I, Ottoman, Siege of Baghdad, documentary re-reading, manuscript.

¹. Ph.D. in History, University of Isfahan, Isfahan, Iran aliabolghasemi@gmail.com



بازخوانی محاصره بغداد توسط نیروهای عثمانی در زمان شاه

عباس اول صفوی (بر پایه اسناد منتشر نشده)

علی ابوالقاسمی^۱

چکیده

این مقاله با تکیه بر نسخه خطی کمتر شناخته شده "مکاتب مختلفه" به بازخوانی محاصره بغداد در سال ۱۰۳۶ق. در دوره شاه عباس اول می پردازد. برخلاف اکثر مطالعات پیشین که عمدتاً بر منابع تاریخ نگاری متکی بوده اند، پژوهش حاضر با بررسی مکاتبات مبادله شده میان زینل خان شاملو سپهسالار قزلباش و حافظ احمد پاشا صدراعظم عثمانی می کوشد ابعاد دیپلماتیک و نظامی این رویداد را از منظر اسناد دست اول تحلیل کند. این مکاتبات که شامل ۹ نامه به زبان ترکی است، امکان دسترسی به سطحی متفاوت از اطلاعات از جمله راهبردهای نظامی، منطق تصمیم گیری و فضای روانی حاکم بر اردوگاه ها را فراهم می آورند. مسئله اصلی پژوهش، بررسی این پرسش است که این مکاتبات چه تصویری از ابعاد نظامی و دیپلماتیک محاصره ارائه می دهند و چه تفاوتی با روایت های تاریخ نگاری صفوی و عثمانی دارند. فرضیه پژوهش آن است که اسناد مکاتباتی در مقایسه با منابع روایی، اطلاعات دقیق تر و جزئی تری از وضعیت میدانی، راهبردهای نظامی و تعاملات دیپلماتیک ارائه می کنند. پژوهش با روش تاریخی- تحلیلی و از طریق تصحیح، ترجمه و تحلیل محتوای مکاتبات و مقایسه آنها با منابع صفوی و عثمانی انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که محاصره بغداد افزون بر تقابل نظامی، عرصه رقابت حیثیتی و تعامل دیپلماتیک بود؛ به گونه ای که قزلباشان در پی نبرد مستقیم و عثمانیان در صدد اجتناب از آن و ادله جنگ فرسایشی بودند. همچنین تغییر لحن مکاتبات از تهدید و تحریک به مصالحه، بیانگر تحول شرایط نظامی و سیاسی دو طرف است. بر این اساس، نسخه خطی مکاتب مختلفه می تواند ضمن تکمیل روایت های موجود به بازسازی دقیق تر منطق سیاسی و نظامی محاصره بغداد و روابط صفوی- عثمانی کمک کند.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، شاه عباس اول، عثمانی، محاصره بغداد، بازخوانی اسنادی، نسخه خطی

مقدمه

روابط دیپلماتیک میان دولت صفوی و عثمانی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و در هر نسل، آثار تازه‌ای در این زمینه پدید آمده است. با این حال، بخش عمده این پژوهش‌ها بر متون تاریخ‌نگاری متکی بوده و کمتر بر پایه اسناد آرشیوی به زبان‌های فارسی، ترکی و دیگر زبان‌ها استوار شده‌اند. افزون بر این، با وجود کثرت منابع تاریخ‌نگاری دوره صفوی، بسیاری از این آثار رویدادها را به صورت کلی و گذرا گزارش داده و غالباً فاقد جزئیات دقیق تاریخی‌اند؛ به گونه‌ای که در مواردی حتی از ذکر تاریخ دقیق وقایع نیز خودداری شده است. از این رو، اتکای صرف به منابع روایی، بازسازی دقیق تحولات سیاسی و نظامی این دوره را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌سازد.

اسناد و شواهد مکتوب تاریخی از مهم‌ترین منابع مورخان در بازسازی تاریخ گذشته به‌شمار می‌آیند و عموماً برخاسته از بستر زمانی خود هستند. این اسناد، در کنار منابع تاریخ‌نگاری، نقشی مهم در روشن‌تر شدن و تدقیق حوادث تاریخی ایفاء می‌کنند. در چنین بستری، رجوع به اسناد دست‌اول از جمله منشآت، مکاتیب، جنگ‌ها و مجموعه‌های اسنادی برای بازخوانی دقیق‌تر تاریخ صفوی ضرورتی اساسی می‌یابد. هر چند بخش قابل‌توجهی از اسناد اصلی دولت صفوی در پی تحولات سیاسی پس از سقوط این سلسله به دست افغان‌ها از میان رفته است، اما اسناد خطی باقی‌مانده همچنان ظرفیت فراوانی برای بازسازی وجوه کمتر شناخته‌شده این دوره را دارند. در این میان، مجموعه‌های اسنادی از مهم‌ترین منابع برای مطالعه روابط سیاسی، اداری و دیپلماتیک به‌شمار می‌آیند. پژوهش حاضر بر پایه بررسی یکی از این نسخه‌های خطی تحت عنوان: "مکاتب مختلفه" شکل گرفته است که مشتمل بر ۱۹۴ سند و نامه تاریخی مربوط به عهد صفوی است.

با وجود اهمیت رویداد محاصره بغداد در دوره شاه عباس اول، مطالعات موجود عمدتاً بر روایت‌های تاریخ‌نگاری متکی بوده و کمتر به تحلیل اسناد مکاتباتی دست‌اول پرداخته‌اند. در نتیجه، خلأیی محسوس در بررسی این رویداد بر پایه منابع آرشیوی وجود دارد. همانگونه که پژوهش کلودیا رومر در باره محاصره بغداد بر اساس گزارش یک شاهد عینی نشان می‌دهد؛ گزارش‌های مبتنی بر مکاتبات و روایت‌های شاهدان عینی می‌توانند تصویری متفاوت از روایت‌های رسمی به‌ویژه در زمینه مشکلات لجستیک، سیاست‌ها و تاکتیک‌های نظامی، وضعیت روحی طرفین، لحن و چارچوب‌های دیپلماتیک، تلفات انسانی و ناکامی‌های نظامی که در منابع رسمی کمتر بازتاب یافته‌اند، ارائه دهند.

بر این اساس، سؤال پژوهش حاضر چنین است که اسناد و مکتوبات چه تصویری از ابعاد دیپلماتیک و نظامی محاصره بغداد در سال ۱۰۳۶ ق. ارائه می‌دهند و این تصویر چه تفاوت‌هایی با روایت‌های تاریخ‌نگاری سنتی صفوی و عثمانی دارد؟

فرضیه پژوهش حاضر آن است که اسناد و مکتوبات تاریخی نسبت به منابع تاریخ‌نگاری سنتی، اطلاعات دقیق‌تر و جزئی‌تری در باره شرایط نظامی، وضعیت میدانی و شیوه‌های دیپلماتیک در جریان محاصره بغداد ارائه می‌دهند و می‌توانند برخی از کاستی‌ها و کلی‌گویی‌های روایت‌های رسمی را اصلاح یا تکمیل کنند.

روش تحقیق پژوهش حاضر، تاریخی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد دست‌اول آرشیوی انجام شده است. در این مطالعه، ابتدا اسناد مربوط به مکاتبات میان زینل خان شاملو و حافظ احمد پاشا به صورت دقیق تصحیح و ترجمه شده‌اند. واحد تحلیل در این پژوهش، گزاره‌ها و مضامین معنادار موجود در این مکاتبات است که به ابعاد نظامی، دیپلماتیک، سیاسی، حیثیتی و مذهبی محاصره بغداد مربوط می‌شوند. بر این اساس، مضامین مرتبط با راهبردهای نظامی، تلاش برای نبرد مستقیم یا اجتناب از آن، مذاکرات و پیشنهادهای صلح، رقابت حیثیتی، استدلال‌های مذهبی و نیز تغییرات لحن مکاتبات در توالی زمانی نامه‌ها شناسایی و تحلیل شده‌اند. در مرحله بعد، سیر و تحول این مضامین در توالی مکاتبات با روایت‌های تاریخ‌نگاری صفوی و عثمانی مقایسه شده است تا میزان همخوانی، تفاوت و اطلاعات افزوده اسناد نسبت به روایت‌های موجود مشخص شود. در نهایت، این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که مکاتبات دیپلماتیک چگونه می‌توانند درک ما از روابط صفوی-عثمانی و شیوه‌های تعامل میان کارگزاران دو دولت را تعمیق بخشند و در مواردی به بازنگری در روایت‌های موجود منجر شوند.

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت موضوع، این رویداد در پژوهش‌های تاریخی عمدتاً در چارچوب کلی تاریخ صفوی-عثمانی مورد بررسی قرار گرفته و کمتر به صورت مستقل و مبتنی بر اسناد دست‌اول تحلیل شده است. بیشتر نویسندگان این حوزه از جمله اوزون چارشیلی (۱۹۸۸) در کتاب *Osmanlı tarihi*، هامر پورگشتال (۱۳۶۷) در کتاب تاریخ امپراتوری عثمانی و راجر سیوری (۱۳۶۳) در کتاب ایران عصر صفوی به صورت گذرا به این واقعه پرداخته و تمرکز اصلی آنها بر روایت‌های کلان سیاسی و نظامی بوده است، بدون آنکه به جزئیات مکاتبات یا منابع آرشیوی توجه ویژه‌ای نشان دهند.

در مقابل، در میان پژوهش‌های جدیدتر، تلاش‌هایی برای بهره‌گیری از منابع غیرروایی و اسناد شاهدان عینی مشاهده می‌شود. در این زمینه کلودیا رومر (۱۹۸۹) در مقاله *Die osmanische Belagerung Bagdads* و نیز در مقاله دوم رومر (۲۰۲۲) *Elements of Türkī-yi 'acemī in an eyewitness report on the Ottoman siege of Baghdad* کوشیده است با اتکاء به نامه‌های مربوط به شاهدان عینی محاصره بغداد، تصویری دقیق‌تر از شرایط محاصره ارائه دهد. وی با مقایسه این نامه‌ها با روایت‌های تاریخ‌نگاری سنتی به برخی تفاوت‌ها در زمینه‌هایی همچون وضعیت لجستیک، تلفات انسانی و ناکامی‌های نظامی اشاره کرده است که در منابع رسمی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که همچنان خلاء قابل توجهی در استفاده نظام‌مند از مکاتبات دیپلماتیک و اسناد آرشیوی در بازسازی این رویداد وجود دارد. از این منظر، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلاء را با تمرکز بر اسناد مکاتباتی و تحلیل تطبیقی آنها با روایت‌های تاریخ‌نگاری موجود تا حدی جبران کند.

معرفی مجموعه و گردآورنده نسخه خطی مکاتب مختلفه

نسخه خطی "مکاتب مختلفه" با دربرگرفتن نامه‌هایی از مکاتبات میان صفویان و دیگر قدرت‌ها، منبعی ارزشمند برای مطالعه تاریخ روابط خارجی ایران در دوره صفوی به‌شمار می‌آید. این نسخه خطی که با شماره بازیابی ۳۳۴۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، مشتمل بر ۱۹۴ سند و نامه تاریخی است و به دست محمدصالح میرزا برادرزاده اسکندر بیگ منشی گردآوری شده است.

هویت گردآورنده از خلال شواهد درون‌متنی مجموعه قابل شناسایی است. وی در عناوین برخی نامه‌ها نام خود را ذکر کرده و در میان مکتوبات نیز اشعاری با تخلص «صالح» آورده است (ملازئی، ۱۴۰۱). افزون بر این، در عناوین برخی اسناد تصریح می‌کند که آنها را از منشآت اسکندر بیگ منشی برگرفته و او را عموی خود معرفی کرده است؛ ادعایی که از سوی اسکندر بیگ منشی، مؤلف تاریخ عالم‌آرای عباسی و نیز برخی تذکره‌نویسان تأیید شده است (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۱۳، ۸۳۷؛ بهاری سیستانی، ۱۳۸۶: ۷۸۵؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹۹؛ نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

محمدصالح میرزا فرزند فرج بیگ ترکمان و برادرزاده اسکندر بیگ ترکمان است (Khuzani Isfahani, 2015, 3/302). بهاری سیستانی، محمدصالح را از جمله کاتبان دارالانشای شاه عباس اول می‌داند و او را در حسن خط و مهارت در انشاء ممتاز می‌شمارد

(بهارى سيستانى، ۱۳۸۶: ۷۸۵). نصرآبادى نيز از معاشرت او با شاعران در جوانى و حمايت مالى اش از آنان ياد مى كند. به گفته وي، محمدصالح در دوره شاه صفى مدتى به وزارت لاهيجان رسيد، اما به سبب شكايات مردم بركنار شد. وي سپس به عنوان منشى و دستيار صدراعظم ساروتقى فعاليت داشت، اما پس از قتل ساروتقى در شعبان ۱۰۵۵ ق. دچار فقر شد و سرانجام در اصفهان درگذشت (نصرآبادى، ۱۳۷۸: ۱۱۳). افزون بر اين، منابع تذكره‌اى از مهارت او در نظم و نثر و خط و نيز سرايش غزل، قصيده و ماده تاريخ ياد کرده‌اند (بهارى سيستانى، ۱۳۸۶: ۷۸۵؛ واله داغستانى، ۱۳۸۴: ۱۱۹۹؛ نصرآبادى، ۱۳۷۸: ۱۱۳؛ خوشگو، ۱۳۸۹: ۳۸۷).

اشاره نصرآبادى مبنى بر آنكه محمدصالح مجموعه‌اى از نظم و نثر معاصران خود را گردآورى کرده و مدخل ميرزا محمدرضا مشهور به سارو خواجه را نيز از آن برگرفته است (نصرآبادى، ۱۳۷۸: ۱۱۳، ۱۰۸)، نشان مى دهد كه وي در دوره عزل از دستگاه ديوانى به گردآورى و نسخه بردارى متون اشتغال داشته است. بر اين اساس، به نظر مى رسد تدوين "مكاتب مختلفه" نيز پس از اين دوره، يعنى پس از سال ۱۰۵۵ ق. آغاز شده و دست كم تا سال ۱۰۵۹ ق. ادامه يافته است؛ چرا كه فتح نامه‌اى مربوط به بازپس گيرى قندهار در همين سال، در دوره سلطنت شاه عباس دوم و در اين مجموعه ثبت شده است (مكاتب مختلفه، نسخه خطى كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورى اسلامى، شماره ۳۳۴۹: ص ۷۷).

از آنجا كه سन्दى مربوط به سال هاى پس از اين تاريخ در مجموعه ديده نمى شود، احتمالاً تدوين اثر در همين دوره پايان يافته و گردآورنده نيز در همين سال ها درگذشته است. افزون بر اين، با توجه به اشارات اسكندر بيگ منشى به برخى نامه هاى مبادله شده ميان نيروهاى عثمانى و قزلباش كه شمارى از آنها در مجموعه "مكاتب مختلفه" نيز ثبت شده اند، به نظر مى رسد اين اسناد پيش تر در اختيار اسكندر بيگ بوده و سپس به دست برادرزاده اش محمدصالح منتقل شده است. اين نکته، علاوه بر تأييد اصالت اسناد، بر اهميت اين مجموعه به عنوان حلقه اى در انتقال و حفظ مكاتبات ديوانى دوره صفوى دلالت دارد.

سواى از ۹ نامه يافت شده به زبان تركى در مجموعه "مكاتب مختلفه" كه نشان از کاربرد ديپلماتيك زبان تركى در دوران صفوى دارد، اين نسخه حاوى برخى اسناد ديگر به زبان تركى نيز هست كه در نوع خود براى پژوهش هاى تاريخى مربوط به دوره صفويه حائز اهميت است و ضرورت توجه بيشتر پژوهشگران به اين مسئله را مى طلبد.

از فتح تا محاصره: بغداد در کشاکش صفویان و عثمانیان

شاه عباس اول پس از تثبیت اوضاع داخلی و بازپس‌گیری بخش‌هایی مهم از قلمرو صفوی - از جمله خراسان، آذربایجان، قراباغ، شروان، هرمز و قندهار - در صدد گسترش نفوذ خود به عراق عرب و بین‌النهرین برآمد. شاه عباس که همواره اوضاع عثمانی را با فرستادن ایلچیان تحت نظر داشت، با آگاهی از آشوب‌ها و شورش‌ها در آناتولی و استانبول که به واسطه قتل و برکناری سلطان عثمانی ایجاد شده بود و همچنین اظهار اطاعت بکرسوباشی والی عراق عرب، در سال ۱۰۳۲ق./ ۱۶۲۳م. به بغداد لشکر کشید و با فتح آن، عراق عرب که از سال ۹۴۰ق./ ۱۵۳۴م. از قلمرو قزلباشان خارج شده بود، مجدداً تحت تصرف صفویه درآمد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۳؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۸۸۸).

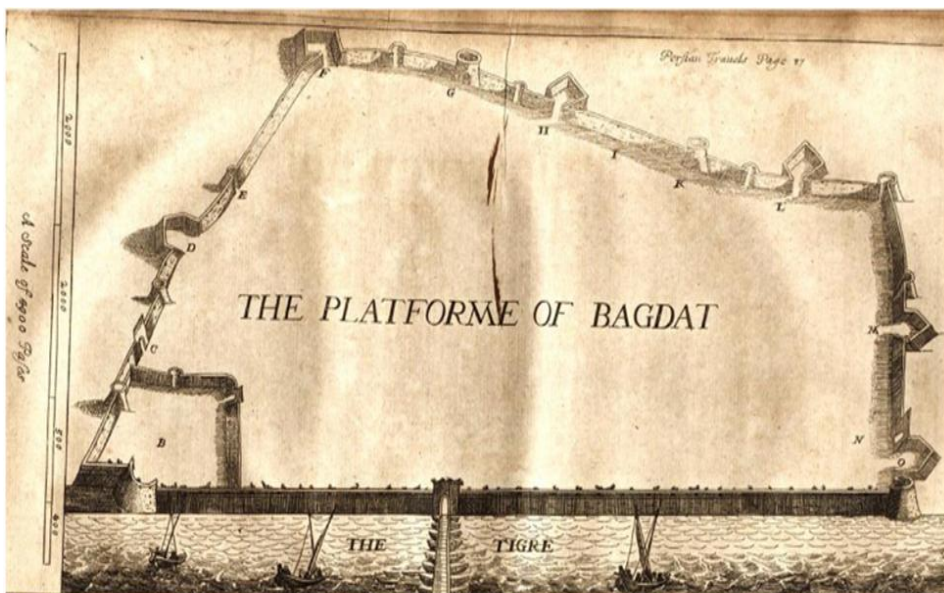
فتح بغداد پیامدهایی در پی داشت و به تضعیف موقعیت عثمانیان در ولایات مجاور انجامید؛ به گونه‌ای که برخی از ولایات نیز به سرعت به تصرف نیروهای قزلباش درآمدند. این واقعه را می‌توان نقطه‌عطفی در فتوحات صفوی دانست، چرا که قلمرو دولت صفوی در این مقطع به گسترده‌ترین حد خود رسید. اهمیت این تحول زمانی آشکارتر می‌شود که توجه داشته باشیم عراق عرب یکی از مهم‌ترین ولایات امپراتوری عثمانی بود و بازپس‌گیری آن، افزون بر اهمیت نظامی، واجد بار سیاسی و نمادین نیز بود.

در خلال این احوالات، سلطان مصطفی اول از سلطنت خلع شد و سلطان مراد چهارم (حک. ۱۰۳۲-۱۰۴۹ق.) در ذی‌القعدة ۱۰۳۲ق، بر تخت پادشاهی عثمانی نشست و او حافظ احمد پاشا را به مقام صدراعظمی و مأمور بازپس‌گیری بغداد کرد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۱۵-۱۰۱۴).

احمد پاشا به مدت دو سال در دیار بکر مشغول جمع‌آوری قشون و مترصد حمله به عراق عرب بود تا اینکه با اطلاع از شورش‌های گرجستان و کشته شدن برخی فرماندهان قزلباش و همچنین سرکشی برخی امیران مرزی، شرایط را برای پیشروی به سمت بغداد مناسب دید. لشکر عثمانی در نهم صفر ۱۰۳۵ق. به بغداد رسیده و قلعه را از سه جهت؛ «از کنار دجله حوالی مزار ابوحنیفه که جانب شمالی است تا دروازه قراقاپی که جانب جنوبی است و به کنار دجله اتصال دارد» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۳۴) محاصره کردند. خطوط عثمانیان در طول ساحل شرقی دجله و مسافت تقریبی یک فرسخ امتداد یافته بود و بخشی از قوای آنها روی دجله در نزدیکی مزار ابوحنیفه، پلی ایجاد کرده بودند و منطقه مذکور را نیز به تصرف درآورده بودند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۳۴، نعیم، ۱۲۸۰: ۳۶۳).

بازخوانی محاصره بغداد توسط نیروهای عثمانی در زمان شاه عباس اول صفوی □ ۳۳

در مقابل، شاه عباس با اطلاع از حرکت حافظ احمد پاشا به سمت بغداد، زینل خان بیگدلی شاملو را به فرماندهی کل و سپهسالاری کل عساکر قزلباش انتخاب نمود و او را مأمور کمک و حفاظت از بغداد کرد. نیروهای اعزامی شاه عباس بعد از تکمیل محاصره بغداد توسط نیروهای عثمانی به حوالی بغداد رسیدند و در یک فرسخی آن و در ورودی رود بهریز (دیاله) اردو زدند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۹۷؛ ۹۳۷/۳: ۲۰۱۵: ۹۳۷/۳) (Khuzani Isfahani, 2015: 937/3)



موقعیت دیوارهای شهر بغداد در دوره عثمانی

مذاکرات صلح و تلاش برای اجتناب از جنگ مستقیم

طی دوران محاصره، چندین بار نیروهای دو طرف وارد نبرد شدند و حتی یک بار نیروهای ینی چری برخی دیوارهای شهر را تصرف کردند. اما در دام خندق‌های دیوارهای دوم به دام افتادند و بسیاری از آنها کشته شدند و یک بار نیز نیروهای مراد پاشا شکست سختی از نیروهای قزلباش خوردند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۳۸-۱۰۳۷؛ نعیم، ۱۲۸۰: ۳۶۷، ۳۶۳)؛ به همین منظور تمام تلاش نیروهای عثمانی، تشدید محاصره بغداد و تسخیر قلعه قبل از رسیدن شاه عباس بود.

با طولانی شدن محاصره و اخبار نزدیک شدن شاه عباس به بغداد، حافظ احمد پاشا کوشید از طریق مذاکره، نیروهای صفوی را مجبور به تسلیم کند و به همین منظور،

همانگونه که اسکندر بیگ نیز اشاره کرده، «گاه با زینل بیگ مراسله و گفتگوهای سپاهیان به میان می آورد که شاید بلطایف الحیل و تدبیرات ناقصه کاری از پیش برد» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۴). این اشاره و همچنین آوردن مضمون دو نامه که متن اصلی آنها در مجموعه مکاتب مختلفه موجود است، نشان می دهد که اسکندر بیگ بعدها به این نامه ها دسترسی پیدا کرده است. نکته اینکه منابع عثمانی هیچ اشاره ای به این مذاکرات ندارند.

در همین این راستا، حافظ احمد پاشا، علی بیگ نامی از سنجق بیگان کرد را که در محاربات آذربایجان اسیر طایفه بیگدلی شده و مدتی با برادران زینل خان ارتباط داشت، به عنوان واسطه و مذاکره نزد زینل خان و سپس شاه عباس فرستاد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵-۱۰۴۴). با موافقت شاه عباس، زینل بیگ، جانی بیگ شاملو را همراه با نامه ای برای ادامه مذاکرات به سوی حافظ احمد پاشا فرستاد که شرح تمام این اتفاقات در متن نامه ارسالی زینل بیگ بدین شرح دیده می شود: «حضور عزیز دولتلو، سعادتلو و مرحمتلو دستور مُفَحِّم صدرِ اعظمِ اَدَامَ اللّٰهُ تَعَالٰی اِقْبَالَهِ وَ ضَاعَفَ اِجْلَالَهُ، بعد از تقدیم قوافل دَعَوَاتِ مخالصة آیات و رواحل مدحات زاکیات محبت سمات، مکشوف رای منیر صواب نما و مشهود ضمیر منیر عالم آرا می باشد که بعد از گسیل عمده الاعیان علی بیگ به درگاه عرش اشتباه، وی مشرف به سُدّه ی سَنیه آسمان فرسا گردیده، و مورد عواطف و مراحم خسروانه گردید. علاوه بر این، بعد از مجالست مجلس بهشت آئین خلد برین؛ پادشاه والجاه، سیّاره سپاه، خورشید کلاه ظلّ اللّٰه، با نامه همایون خود آن صاحب دولت را مورد عزت خود قرار داده و جانی بیگ شاملو عزّت قرین را به همراه مومی الیه به خدمت شریف مسرت نشانسان گسیل فرمودند. گوشزد کردن اطوار دنیای غدار و چرخ ناپایدار به حضرت صاحب سعادت نشان از مقوله تحصیل حاصل است. با توجه به اینکه تمامی امور جمهور و مصالح خاصّ و عامّ در قبضه اختیار و اقتدارتان می باشد، معلوم شریفتان است که به مقتضای لَا یُرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ لَا یُرْحَمُهُ النَّاسُ، رفاهیت خلاق و عباد اللّٰه را منظور قرار دادن و تلاش برای اصلاح طرفین باعث بقای ابدی می گردد. احوال آل عثمان و اوضاع قزلباش کما کانَ أَظْهَرَ مِنَ الشَّمْسِ است و اصلاً مخفی نیست (احتمالاً اشاره به نابسامانی اوضاع داخلی عثمانی دارد). اگر هدفتان استرضاء خالق و ترفیه ی حال خلاق است، آن صاحب دولت [جانی بیگ] از طرف من، برای صلح و کیل مطلق العنان است، اما اگر مایل به صلح نیستند به مضمون اَلْعَبْدُ یُدَبِّرُ وَ اللّٰهُ یُقَدِّرُ، تدبیری برای تقدیر نیست. اَلْحَکْمُ لِلّٰهِ وَ رَضِیْنَا بِقَضَاءِ اللّٰهِ. ما می گوئیم و دیگران می گویند تا خود فلک از پرده

چه آرد بیرون»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹، ص ۴۰۵).

در این نامه زینل بیگ گوشزد می‌کند که اگر چه وضعیت هر دو طرف کاملاً مشخص است، اما اگر عثمانی تمایل به صلح دارد، ما نیز مشکلی بابت مصالحه نداریم و به همین منظور جانی بیگ به این وظیفه مأموریت یافته است، اما اگر هدف جنگ است، جز جنگ چاره دیگری نیست.

تشدید تنش و گذار به رویارویی نظامی

با شکست مذاکرات اولیه و هم‌زمان با رسیدن شاه عباس به حوالی بغداد، نیروهای قزلباش در صدد تشدید حملات خود برآمدند. اما نیروهای عثمانی بر مواضع خود و خندق‌ها تکیه کرده بودند و مایل به نبرد میدانی نبودند. زینل خان در واکنش به عدم تحرک عثمانیان در نامه‌ای به حافظ پاشا، آنها را به جنگ رو در رو فرا می‌خواند و چنین می‌نویسد: «بعد از دعا‌های وافر به حضور کثیرالنور حضرت صاحب‌سعادت، مکشوف ضمیر منیر خورشیدنظر است که به جانی بیگ گفته بودید که از پایین دست [رودخانه دجله] پل بسته و تصمیم به پیشروی به طرف عساکر ظفر اثر گرفته‌اید. بدین مژده گر جان فشانم رواست، بعد از شنیدن این خبر بهجت اثر با تعجیل به استقبال شتافته و منتظر ماندیم. مگر نه بر اساس مضمون اکرموا الضیف ولو کان کافرا و برای به زحمت نیافتادن برای عبور از پل قدم مبارک رنجه کرده و به رسم مهمان‌نوازی چند قدمی به استقبال آمدن انساب و الیق است. از آنطرف نپذیرد کمال او نقصان و ازین طرف

۱. متن اصلی نامه‌ها به زبان ترکی چنین است: دولتو و سعادتلو و مرحمتلو دستور مخم صدر اعظم ادام الله تعالی اقباله و ضاعف اجلاله حضر تترینک عز حضور مستوجب السرور لرینه، قوافل دعوات مخالصة آیات و رواحل مدحات زاکیات محبت سمات تقدیم قلندقدنصرکرا، مکشوف رای منیر صوابنما و مشهود ضمیر منیر عالم آرا اولدور که عمده‌الاعیان علی بیگ بنده‌لرینی درگاه عرش اشتباهه کوندروب، سده سنیه آسمانفرسایه مشرف اولدقده، عواطف و مراحم خسروانه بیرله ممتاز اولوب، مجالست مجلس بهشت‌آئین خلدبرینه مفتخر اولدقدن ماعدا؛ پادشاه والاجاه سیاره سپاه خورشیدکلاه ظلّ الله، اول صاحب‌دولتی نامه همایون ایله معزز قیلوب، عزت قرین شاملو جانی بیگی مومی الیه ایله خدمت شریف مسرت نشانلرینه ارسال اتمیشلر. دنیای غدار و چرخ ناپایدار اطوارین صاحب‌سعادت حضر تترینه بیلدرمک، تحصیل حاصل مقوله‌سندندر. ظاهراً امور جمهور لازم و مصالح خاص و عام قبضه اختیار و اقتدارده ایکن، لّا یرحم الله من لّا یرحمه الناس مقتضاسی اوزره، رفاهیت خلائق و عباداللهی منظور طوتوب، اصلاح جانبینه سعی ایتیمک سبیدن، باعث بقای ابدی اولمق معلوم شریفلری‌در. آل عثمان احوالی و قزلباشنک اوضاعی کما کان اظهر من الشمس در و اصلا مخفی حال قالمشدر. اگر استرضاء خالق و ترفیه حال خلائق مسلوک اولسه، اولصاحب‌دولتنک اصلاح طرفنه وکیل مطلق العنان اولمغری شبهه یوقدر. و اگر اصلاحه مایل حال یوقسه، العبد یدبر و الله یقدر مضمونی اوزره، تقدیره تدبیر اولنمز. الحکم لله و رضینا بقضاء الله. ما می‌گوییم و دیگران می‌گویند تا خود فلک از پرده چه آرد بیرون

شرف روزگار ما باشد. چه لزومی به گفتن زیاده است الباقی عند شرف التلاقی، با جواب نامه سرافرازمان نموده تا بر اساس آن عمل گردد. ظلکم ممدود»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۴۰۶).

در ادامه، وی در نامه‌ای دیگر که اسکندر بیگ ترکمان نیز به آن دسترسی داشته و به مضمونش اشاره کرده است، به صراحت از امتناع عثمانیان از نبرد انتقاد کرده و آن را موجب بدنامی آنان دانسته است. «زینل بیگ رقعهای به این مضمون به حافظ احمد پاشا نوشته فرستاد که این است: ما با فوج قلیلی به عزم ملاقات آمده‌ایم و قرب جوار دست داده لایق نمی‌نماید که آن صاحب سعادت با وجود کثرت لشکر و حشر و اظهار دلاوریها و لافهای گراف از مقابله فوجی از افواج قاهره قزلباش احتراز کرده به جنگ پیش نیابند و مصدر بدنامی خانواده آل عثمان گردند» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵).

متن اصلی این نامه- که در نسخه خطی "مکاتب مختلفه" محفوظ مانده- نیز همین مضمون را با بیانی تفصیلی‌تر بازتاب می‌دهد و چنین می‌نویسد: «بعد از اهدای چندین باره دعا‌های بسیار به حضور موفورالسرور و باسعادت و بادولت حضرت صاحب سعادت، مکشوف ضمیر منیر عالم آرا و مشهود خاطر عاطر صوابنما می باشد که در ایام محاصره قلعه بغداد با عساکر قلیل و بر اساس مضمون آیه کَمِ مِنْ فِئَةِ قَلِيلِهِ غَلَبَتْ فِئَةُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ، متوکلا علی الله المستعان پنج دفعه به خدمت شریفان شتافتیم. شما نیز به پشتوانه الم غلبت الروم فی ادنی الارض استقبال کرده برای استخلاص خلائق و عبادالله همت نمودید اما هر بار با یک عذری آن را موقوف کردید، جواب نامه‌های ارسالی را نیز ندادید و اقدامی در خصوص خارج شدن از پل نکردید. ما نیز بخاطر اینکه پادشاه والاحاه اللهم جعلهم فداه رخصت ندادند داخل پل نشده مراجعت نمودیم. اینک در روز جمعه مجددا با امید تلاقی فریقین و به عزم مقابله به خدمت شریفان آمده‌ایم. توقع ما آن است که راضی به بدنام شدن آل عثمان نشده از پل خارج و به مقابله بیاوید. بر اساس مقتضای الحکم لله و رضینا بقضاء الله، خداوند قادر

۱. متن اصلی نامه به ترکی: صاحب سعادت حضرتلرینک حضور کثیرالنورلرینه وافر دعالر تقدیمندنصرکه مکشوف ضمیر منیر خورشیدنظر اوله که جانی بیک ایله سفارش اولمشدی کیم اشاغه دن جسر باغلیوب عسکر ظفرائر اوزرنه کلمکلی مقرر ایمش. بدین مژده کر جان فشانم رواست. بو خبر بهجت اثری استماع ایلدقده تعجیل ایله استقباله کلوب منتظروز ظاهرا مهمان کلنده اکرمو {الضیف ولو کان کافرا مضمونی اوزره مشقت جسر و عبوردن خالی اولمق قدم مبارک رنجه قیلوب مهمان نوازلیق ایله بر نچه قدم قارشولشمه سی انصب و الیق کورونور. از آنطرف نپذیرد کمال او نقصان. وزینطرف شرف روزکار ما باشد. باقی دیمک نه لازم الباقی عند شرف التلاقی جوابه سرافراز بیوره لر کیم انکا کوره عمل اولنه ظلکم ممدود

والجلال، بخشیدن جامه فتح به روزی هر شخصی از جانب خداست و اگر این مرتبه مقاومتی در برابر لشکر قیامت اثر صورت نگیرد. برای برداشتن سپاهی که آل عثمان به قلعه برده است ما به اجبار متوسل خواهیم شد و من آنچه شرط بلاغست با تو میگویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۴۰۶).

در مقابل، پاسخ حافظ احمد پاشا به شرح ذیل نشان‌دهنده تلاش و توجیه پرهیز از ورود به جنگ مستقیم بود: «بعد از اهدای دعا‌های لایقه به حضور مکرمات موفور به حضور خان ذی شأن عزتو و رفعتو محبانه بیان می شود که مضمون فتنه‌انگیز مکتوب مرغوب غرورآمیز قبلیتان شایسته شما نبود. مقربان سلطنت نباید فتنه‌انگیز باشند بلکه همیشه ذخیره راه هدایت‌اند و همواره می‌بایست سعی در تسکین قهر و غضب پادشاهان نمایند و دیگران را خوار دیدن خود به خود تحصیل غرور است. زیرا که خودبینی اخلاق ذمیمه است که باعث خواری می‌گردد. جناب‌عالی که با مرحمت شاه خورشیدکلاه با غرور و عداوت آمده‌اید آیا بهتر نیست که با سرور و محبت برای خلاص کردن مسلمانان قلعه تشریف بیاورید. تنها ما را بخاطر عدم خروج از پل سزنش می‌کنید. در حالیکه در زمان رسیدن مکتوبتان ما یک میل به استقبال شما آمده بودیم و این مساله را حامل نامه مطلع و خبردار هستند برای رعایت خاطر انجام شده بود و گرنه معلوم است که وقتی شاهین شکارش را پیدا می‌کند به چیز دیگری میل نمی‌کند. حق تعالی به جمیع مسلمان‌ها خیر نصیب فرموده جمله فقرا و ضعفا را جدا از راحتی ننماید. آن که مقرر است اتفاق خواهد کرد. باقی همیشه دولت خانی

۱. متن اصلی نامه به ترکی: دولتو وسعدتو صاحب سعادت حضرت‌تالینک عز حضور موفور‌السرور لینه تجدید ایله دعوات لایقه فائقه اتحافندنصورا مکشوف ضمیر منیر عالم آرا و مشهود خاطر عاطر صوابنا اولدور کیم عراق عرب ولایتنه کلوب بغداد قلعه سین محاصره ایتدوکلری ایامده بو قلیل عسکر ایله کم من فتنه قلیله غلبت فتنه کثیره بادن الله مقتضاسی اوزره متوکلا علی الله المستعان بش کره خدمت شریفنکره کلدوک سیز دخی الم غلبت الروم فی ادنی الارض استظهاری ایله قارشولشوب خلائق عبادالهلک استخلاصنه همت ایده سیز هر کره بیر عذر ایله موقوف ایدوب ارسال ایتدو کمز مکاتبنک جوابی کوندرمیوب جسردن چقمقه اقدام بیورمدنکر و پادشاه والجاه اللهم جعلهم فداه رخصت ویرلمماغیله بز دخی جسره داخل اولمیوب مراجعت اتمیشوز. اشبو یوم الجمعه ده ینه تلاقی فریقین امیدو ایله عزم مقابله ایدوب خدمت شریفنکره کلمیشوز مامل اولن بودر کیم آل عثمانیک زیاده نکبتین حاصل اتمکه راضی اولمیوب جسردن چیقوب مقابله اوله سیز کیم الحکم لله و رضینا بقضاء الله مقتضاسی اوزره قادر والجلال هر کمسنیه جامه فتح روزی قیله ویرمک الله‌نکدر و اگر بو مرتبه دخی لشکر قیامت اثرینک قارشوسنه مقاومت اولنمسه آل عثمان قلعه یه آپاردوکی سپه بوزه لازم اولنور که جبره کتورک و من آنچه شرط بلاغست با تو میگویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال.

جاودانی باد النون و الصاد»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۴۰۷).

اسکندر بیگ ترکمان نیز این پاسخ را با نگاهی انتقادی توصیف کرده و می‌نویسد: «سردار در جواب رقعہ و به مقابله در نیامدن، سخنان سست و عذرهای نادلیپذیر نوشت» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵-۱۰۴۶). سپس در ادامه، نامه زینل بیگ و رد اتهامات حافظ احمدپاشا آمده که: «نامه محبت نشان ارسالی از جانب شریف دولتو و سعادتلو صدراعظم دستور مفخم اعلی الله تعالی شأنه در بهترین زمان ممکن به دستمان رسیده، مضمون بلاغت مشحون آن به حصول اطلاع رسید. صفحات ارسالی به حضور باعزتتان را غرورآمیز و فتنه‌انگیز فرموده‌اید، این به مفهوم «جلنا ز زبان ما سخن می‌گویی کاری که بعقل برنیاید دیوانگی درو بباید» می‌باشد. پادشاه ما مقید به خلافت است. بر اساس سنت آباء عظام و اجداد کرام علیهم التحیه والسلامشان تا زمانی که بر جماعتی حجت اقامه نکنند رخصت جدال نمی‌دهند. الحمدلله والمنة که افرادی که از طرف جناب شریف‌تآن آمده‌اند نحوه برخورد ما را دیده و آنچه شنیده‌اند را به سمع مبارک حضرتعالی رسانده‌اند و همچنین مضمون نامه‌هایی که قبل از این به حضورتان ارسال شده است را می‌دانید. در منصفانه بودن نسبت غرور به طرف ما بهتر است قضاوت را به مروت شما بسپاریم. نجات مسلمانان قلعه که مضمونش در نامه شفقت عنوان منشیان بلاغت‌نشان هم هست در ید قدرت قادر ذوالجلال است و چون حکمی نوشته شد حتمی و غیرقابل لغو است که این معلوم شما نیز باشد. ادعای اینکه به مقدار یک میل از روی پل حرکت کرده به استقبال عساکر ظفرآثر ما توجه نموده‌اید را به انصافتان ارجاع دهیم. زیرا در حالیکه توپهای پرتابی شما از روی سایبانهای ما می‌گذرد اگر سپاهتان خارج می‌شد ما مشاهده می‌کردیم. علی ای حال آنکه شاهین است صید خود را چون ببیند

۱. متن اصلی نامه به ترکی: عزتلو و رفعتلو خان ذی شان حضرتلرینک حضور مکرمت موفورلرینه ادعیه لایقه اهداسندنصنکره محبانه آنها اولنور کیم دیگر مکتوب مرغوب غرورآمیزنکر مفهوم فتنه انگیزی شانلرینه دوشمزدی. مقریان سلطنت اولن، فتنه انگیز اولمیوب همیشه ذخیره دلیل اولمق و پادشاهلرینک قهر و غضب صدور ایتدو کچه تسکینه سعی قیلماق کرکدور و کیمسه خوار کوروب تعریف نفس ایله و خود به مغرور حاصل ایلمکدور. زیرا کیم خودبیللیق اخلاق ذمیمه اولدغنه باعث خوارلیقه مستلزم اولدغندر جناب عالیبری سعادتلو شاه خورشیدکلاه حضرتلرینک مرحمتی ایله غرور و عداوت ایله کلمکدن سرور و محبت ایله کلوب قلعه ده اولن مسلمانلری خلاص بیورمه لری اولی دکیلمیدر. همن جسردن چیقمز دیو سرزنش بیورورسیز مکتوبکز کلنده بیر میل استقبالكزیه واصل اولدوغی حامل مکتوبلر خبرداردور. بو دخی خاطرانکیز رعایتنه اولمشدور یوخسه شاهین شکاری بولار ایکن غیره میل ایلمدوکی معلوم دور. حق تعالی حضرتلری جمیع مسلمانلره خیر نصیب ایدوب جمله فقرا و ضعفانک استراحتده اولمغلی عملدن آیرمیه اولکه مقررردور ظهور ایده جکدر باقی همیشه دولت خانی جاودانی باد بالنون و الصاد.

شکار می‌کند. در حالیکه شما هفت ماه است که تنها به تماشا نشسته‌اید. این صورت شاهین بودن نیست مرغابی بودن است. اگر فی‌المثل از کران تا کران، بود بحر و بر پر زمرغابیان، ز پرواز شهباز فرخنده بال، بود طاقت صبرشان بر محال. والسلام»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۴۰۷).

آنچه از این مکاتبات و گزارش‌های تاریخی استدراک می‌شود، وجود دو رویکرد متفاوت نظامی است: تلاش برای کشاندن نیروهای عثمانی به میدان باز و نبرد مستقیم توسط قزلباشان و در مقابل اتکاء به جنگ محاصره‌ای، استحکامات و فرسایش تدریجی دشمن توسط عثمانی. نیروهای عثمانی به پشتوانه خندق‌هایی که در سه جانب بغداد کنده بودند و عقب آنها با توپ‌ها و تفنگچیان مستحکم و محافظت می‌شد در صدد بودند تا محاصره‌کنندگان را با بی‌آذوقه‌گی در مضیقه قرار داده مجبور به تسلیم نمایند. به این ترتیب آنها در عین حال که وارد جنگ با نیروهای قزلباش نمی‌شدند، می‌توانستند به محاصره قلعه ادامه دهند. اسکندر بیگ ترکمان نیز به این تدبیر عثمانی‌ها به درستی اشاره کرده است (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۶).

فروپاشی محاصره و عقب‌نشینی عثمانیان

با بی‌نتیجه ملدن مذاکرات و عدم تمایل نیروهای عثمانی به جنگ رودررو، نیروهای قزلباش در صدد تقویت مواضع خود در داخل بغداد برآمدند و با ارسال مواد غذایی به داخل بغداد از طریق گذر از محاصره شدید نیروهای عثمانی، ضمن تقویت روحیه مدافعین، مواد مورد نیاز آنها را نیز تأمین کردند. احمد پاشا با مشاهده وضعیت و طولانی‌شدن مدت محاصره به ناچار به نبرد رودررو

۱. متن اصلی نامه به ترکی: دولتلو و سعادت‌لو صدراعظم دستور مفخم اعلی الله تعالی شانه جناب شریف‌لرندن ارسال اولنن نامه محبت نشان اسعد اوانده وارد اولوب مضمون بلاغت مشحونی اطلاعی حصوله یتشددی. حضور عزته ایصال ایتدو کمز صحیفه لری غرور آمیز فتنه انکیز دیو بیورمش سیز، جانا ز زبان ما سخن می‌گویی کاری که بعقل بر نیاید دیوانگی درو بباید. مفهومکز دور. بی‌زوم پادشاهمز رتبه سلطنتی مقید به خلافت در. آباء عظام و اجداد کرام علیهم التحیه والسلام سنت سنی سنی ایلهم هم بر جماعته حجت قایم اتمیه لر رخصت جدال بیورمز لر، الحمدالله والمنه کیم خدمت شریفیکزدن کلن جماعت بالمشافهه العلیه لفظ کهربار درر نثارلرندن استماع ایتدو کلری کلامی محفل عالیده نقل ایدوب و بوندن اقدام طرفندن مکاتبتک مضمونی دخی معلومکز در غروری بو طرفه نسبت ایتمک کندو مروتلرینه رجوع ایده لیم منشیان بلاغت نشان مفاوضه شفقت عنوانده مضمونی کببی قلعه ده اولن مسلمانلرنک نجاتی قادر ذوالجلال ید قدرتلرنده اولوب یازیلن پوزلمز معلوم شریفیکز دور. بو که جسردن بر میل مقداری چیقوب عسکر ظفراثر استقباله توجه ایتدو کلری دخی انصافکزه براخه لیم زیرا کیم آتدوکنکز توپ سایبانمز اوزرندن گچنده قوشونکز قارشویه کلنده مشاهده اولنوردی علی ای حال علاجی ممکن و شاهین اولن آوین کورنده آلور. سیز یدی آی در کیم اونکزه باقوب تماشا ایدرسیز. بو صورتده شاهینک دکل بط ظاهر آلور. اگر فی‌المثل از کران تا کران، بود بحر و بر پر زمرغابیان، ز پرواز شهباز فرخنده بال، بود طاقت صبرشان بر محال. والسلام

روی آورد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۵۰-۱۰۴۹). نعیم‌ا از وقوع سه نبرد میان نیروهای حافظ احمد پاشا و شاه عباس خبر می‌دهد که در آخرین آنها عثمانی‌ها تنها به دلیل طوفان شن از تعقیب قزلباش‌ها نجات یافتند (Römer, 1989: 130؛ نعیم‌ا، ۱۳۸۰: ۳۷۹-۳۷۸).

در ادامه نیز نقشه‌های نظامی شاه عباس و امرای قزلباش از طریق مسدود کردن راههای آبی و زمینی منتهی به بغداد و تضییق ذخایر غذایی محاصره‌کنندگان ضربه سختی بر نقشه‌های عثمانیان وارد آورد، به طوری که با مسدود شدن راهها، نیروهای عثمانی نه تنها دچار کمبود مواد غذایی شدند، بلکه بیماری هم در اردوگاه عثمانی شیوع پیدا کرد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۴۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۹۹-۸۹۸؛ Römer, 1989: 124).

عملیات ایذایی شاه عباس به سختی عثمانی‌ها را تحت فشار قرار داد و در چنین شرایطی، حافظ احمد پاشا کوشید از طریق مذاکره راهی برای پایان دادن به بن‌بست موجود بیابد. اهمیت مکاتبات این مرحله در آن است که به خوبی نشان می‌دهند چگونه موضع عثمانیان از اصرار بر فتح بغداد به تلاش برای مصالحه و سپس درخواست عدم تعقیب در هنگام عقب‌نشینی تغییر یافت. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه منابع عثمانی همچون نعیم‌ا معتقدند نخستین بار این شاه عباس بود که ایلچی فرستاد و درخواست مذاکره کرد (نعیم‌ا، ۱۳۸۰: ۳۸۱). اما متن نامه‌ها حاکی از این است که نخستین بار حافظ احمد پاشا با ارسال ایلچی خواستار مذاکره و البته تحویل بغداد به عثمانیان می‌شود، او در نامه‌ای چنین می‌نویسد: «بعد از ابلاغ مجدد دعا‌های محبانه به حضور پرنور حقیقت آیین حضرت عزت‌لو و رفعت‌لو و سعادت‌لو آقا. انهای رای عقده‌گشا باشد که مکتوب شریفتان واصل شده مضمون صدق مقرون آن مفهوم شد. احوال آل عثمان برای شما ظاهر است که به همراه عساکر و جبه‌خانه و خزانه نه ماه است که برای محاصره این خرابه چندین بار پول خرج کرده و اگر به سودی منجر نگردد مراجعت ممکن نیست. توقع ما این است که شما نیز در میان دو پادشاه اسلام باعث صلح و صلاح گردیده در تسلیم این خرابه همت نموده خودتان و ما را خلاص نمایید و اگر قلعه پس داده نشود تا وقتی که پادشاه عثمانی امر ندهد امکان بازگشت ممکن نیست»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۴۰۷).

۱. متن اصلی نامه به ترکی: عزت‌لو و رفعت‌لو و سعادت‌لو آقا حضرت‌تلیزینک حضور پرنور حقیقت آیینلر نه تجدید ایله دعوات محبانه ابلاغندن صکره انهای رای عقده‌گشا اولنور که مکتوب شریفکتر واصل اولوب مضمون صدق مقرونی مفهوم اولندی. آل عثمان احوالی سیزه ظاهر اولمش اوله کیم بو دنکلو خزانه و جباخانه و عسکر ایله طقوز آیدر که بو خرابه نینک حصارنه نهچه یوک آچه صرف ایتمشلر و بر دست آویز اولمینجه رجعت ممکن دکلدر مامل بودور که سیز دخی

پاسخ زینل‌بیگ، در عین حفظ لحن دیپلماتیک، هر گونه سخن از تسلیم قلعه را رد می‌کند و نتیجه را به مشیت الهی واگذار می‌سازد، وی چنین می‌نویسد: «دولت‌لو و سعادت‌لو و حشمت‌لو دستور کیوان وقار مشیر خورشید اشتها سردار گردون اقتدار صدر عالمقدار خلدالله تعالی لام دولته الی یوم القرار. مراسله محبت عنوان ارسالی از جانب اعلی آن حضرت در احسن زمان به دست ما رسیده مضمون سعادت مقرون آن مفهوم گردید. ظاهراً تا اراده لایزال حضرت پروردگار نباشد اقدامی برای صلح از طرفین امکان‌پذیر نیست. تا در میانه خواسته کردگار چیست. چون قیل و قال به درازا انجامید بیش از این تصدیق شایسته نیست. الله تعالی جمیع مسلمانها را خیر نصیب نموده آسایش خلاق و عبادالله میسر گردد»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۲۲۴).

در ادامه مذاکرات و این بار با درخواست حافظ احمد پاشا، تخته بیگ شرفلوی استاجلو برای انعقاد صلح از طرف شاه عباس به اردوی عثمانی و نیز مصطفی آقا چاوش‌باشی از طرف حافظ احمد پاشا و با اختیارات تام برای مصالحه نزد زینل بیگ و سپس شاه عباس فرستاده شد. منابع تاریخی مقدم عثمانی همچون پچوی که در آن زمان در توقات به سر می‌برد، می‌نویسد که مذاکرات بدون نتیجه باقی‌ماند (پچوی، ۱۲۸۳: ۴۰۷). برخی منابع متأخرتر معتقدند که تخته بیگ، بغداد را در برابر نجف، حله، فلوجه و تمام کرانه شرقی دجله تسلیم کرد (UZUNCARSILI, 1988؛ نعیم، ۱۲۸۰: ۳۸۳؛ کاتب چلبی، نسخه خطی ۱۰۶۴، ورق ۲۷۳). اما به واسطه سحری که تخته بیگ از بهالدین شیخ بهایی آموخته بود، فتنه‌ای در اردوی عثمانی ایجاد کرد که باعث شورش ینی‌چریان و عقب‌نشینی نیروهای عثمانی شد و شاه عباس نیز با اطلاع از شورش ینی‌چریان، نامه تسلیم بغداد را که تسلیم مصطفی آقا چاوش‌باشی کرده بودند، گرفته و پاره می‌کند (نعیم، ۱۲۸۰: ۳۸۴).

ادعایی که با توجه به گزارش پچوی که معاصر با حوادث زندگی می‌کرد و گزارش‌ها را بی‌نتیجه می‌داند و همچنین متن نامه‌های موجود به وضوح مشخص می‌شود که نیروهای

ایکی پادشاه اسلام آراسینده باعث صلح و صلاح اولوب بو خرابه نیک تابشورمغنه همت ایده سیز بیزی و کندولری خلاص ایده سیز و اگر قلعه ویرلمیه همام پادشاهدن امر اولمیه مراجعت امکانی یوقدر.

۱. متن اصلی نامه به ترکی: دولت‌لو و سعادت‌لو و حشمت‌لو دستور کیوان وقار مشیر خورشید اشتها سردار گردون اقتدار صدر عالمقدار خلدالله تعالی لام دولته الی یوم القرار. حضرت‌ترینک جانب عالی‌بردن ارسال اولن مراسله محبت عنوان احسن زمانده وارد اولوب مضمون سعادت مقرونی مفهوم اولندی ظاهراً حضرت پروردگار لایزالنک بر اراده اولدوغی اجلدن طرفیندن اصلاح اولدغنه بر اثر مرتب اولنمز. تا در میانه خواسته کردگار چیست. چون قیل و قال طوله چکوب بوندن زیاده تصدیقه باعث اولمق لایق دکلدور الله تعالی حضرت‌تری جمیع مسلمانره خیر نصیب ایدوب خلاق و عباداللهنک استراحتی میسر ایده.

قزلباش ضمن آمادگی کامل برای جنگ، هیچگونه تمایلی برای تسلیم بغداد نداشتند و بحث تسلیم قلعه بغداد ساخته مورخان عثمانی است. این نامه‌ها نمونه خوبی از چگونگی سرپوش گذاشتن مورخان رسمی عثمانی بر وقایع نامطلوب است.

محاصره طولانی و بی‌فایده، گرمای طاقت فرسای بغداد، بیماری، کمبود آذوقه و عدم تدارکات مناسب توسط نیروهای عثمانی باعث شورش ینی‌چری‌ها علیه صدراعظم عثمانی شد. حافظ پاشا برای آرام کردن ینی‌چری‌ها، تخته بیگ را زندانی کرد و محمد آقا قاچوچی‌باشی را به اردوی شاه عباس روانه کرد. اما در حالی که تخته بیگ در اردوی عثمانی و مصطفی آقا و محمد آقا در اردوی شاه عباس بودند و شرایط مصالحه از طرفین نهایی نشده بود، نیروهای عثمانی خودسر پراکنده شدند. حافظ پاشا با دیدن شرایط موجود، بعد از ۹ ماه محاصره بی‌نتیجه بغداد و تحمل تلفات فراوان، در نهم شوال ۱۰۳۵/ چهارم ژوئیه ۱۶۲۶ فرمان عقب‌نشینی را صادر کرد و نیروهای عثمانی با بی‌نظمی هر چه تمام‌تر عقب نشستند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۵۰؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۹۰۰). با وجود این، عقب‌نشینی سپاه عثمانی بدون اشکال صورت نگرفت. بسیاری از نیروهای جامانده آنها به دستور شاه عباس و به بهانه بازگرداندن تخته بیگ کشته و اسیر شدند و همچنین قبایل و ایلات عرب و کرد که بر سر راه بودند، از چپاول اموال و قتل سربازان شکست‌خورده کوتاهی نکردند (پجوی، ۱۲۸۳: ۴۰۷/۲؛ Römer, 1989: 125). به گفته خوزانی، حافظ احمد پاشا با دیدن شرایط موجود، ابتدا به مانند زمان پیامبر (ص) که هر گاه قومی عاجز می‌شدند، سوره برائت را می‌خواندند تا آنها را تعقیب نکنند، افرادی را مأمور خواندن آیات سوره برائت برای ممانعت نیروهای قزلباش از تعقیب نیروهای عثمانی کرد (Khuzani Isfahani, 2015: 939/3)، سپس با بازگرداندن تخته بیگ و گسیل ایلچی و نامه‌ای به زینل خان خواستار عدم تعقیب نیروهای عثمانی و بازگرداندن چاوش‌باشی شد. حافظ پاشا چنین می‌نویسد: «بعد از اهدای دعا‌های لایقه به حضور پرمحبت حضرت خان عظیم‌الشان سعادت‌لو و رفعت‌لو، این محب خیرخواه چنین بیان می‌کند که در این نه ماه از هر دو طرف همه نوع امکان سعی و تلاش به کار گرفته شد و کوتاهی نگردید. به عهد و پیمان در باره صلح و صلاحی که میان پادشاه مکرمت‌پناه و آن خان ذی‌شان صورت گرفته بود اعتماد کرده از پای قلعه برخاسته متوجه موطن خود گردیدیم. الحمدلله طرفین اهل اسلام هستند. در این ایام هیچ مشکل عامدانه‌ای توسط آن خان عالی‌شان صادق‌القول و درست‌پیمان صورت نگرفته است. جوانمرد سر مغلوب ناچاراً نمی‌برد. توقع ما این است که من بعد قزلباش را از تعاقب عساکر ما منع نموده

مراجعت نمایند. عمده‌الاعظم و الاعیان مصطفی چاوشی را به این طرف بازگردانید تا هر گونه که خواسته شما است قواعد صلح مستحکم گردد. مقرر است که ایلچیان متعددی به حضور باعزتتان گسیل گردد. دیگر هر چه لازم و شایسته مروت است عمل نمایید»^۱ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۲۲۴).

زینل بیگ در پاسخ به نامه تصریح می‌کند که هدف از تعقیب نیروهای عثمانی نه نقض عهد، بلکه آزادی تخته بیگ بوده است و چنین می‌نویسد که: «بعد از ابلاغ دعاهای وافیه و تحیات زاکیه به حضور لازم‌السرور حضرت صدراعظم دولتو و سعادتو دستور مکرم مشیر مفخم نظام‌العالم مدیر امورالجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرای الصایب مکشوف ضمیر منیر قمر مؤثر می‌باشد که مکتوب محبت اسلوب در بهترین زمان وارد شده مضمون صدق مقرون آن مفهوم گردید. بر خاطر عالم‌آرایتان مبرهن است که دلیل این تعاقب بخاطر عزتو تخته بیگ بوده که وی را با خود می‌بردید و گرنه حاش لله که از طرف پادشاه والاچه ملایک سپاه و این نوکران هیچ گونه خلافی صورت نگرفته است. از پهلوان هیچ خلافی صوت نمیگیرد. مکتوب شریف‌تان را به درگاه عز و جاه فرستاده و این محب شما احوال حقایق را به شایستگی به عرض دولت رسانده است. در بازگشت، فرمان قضاجریان قدر توأمان دال بر معاودت دریافت شد و با کلام شریفی که در راه قرار داده بودید مسرور گردیده و بازگشت صورت گرفت. انشاءالله الرحمن من بعد لوازم محبت و اتحاد به مانند قبل باشد از این طرف ظاهر شده از طرف شما نیز بالقدر و الامکان سعی گردد. قاپوچی‌باشی محمد اغا به همراه عمده‌الاعیان مصطفی آقا به خدمت شریف‌تان گسیل خواهد شد»^۲ (مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۴۹: ص ۲۲۳).

^۱. متن اصلی نامه به ترکی: سعادتو و رفعتو خان عظیم الشان حضرتلرینک حضور محبلرینه ادعیه لایقه اهداسیندنصرکه انهای محب خیرخواه اولدر که بو طوقوز آیده هرطرفدن نه مقدار سعی و جد و جهد امکانی وار ایدی حصوله کلوب تقصیر اولنمدی پادشاه مکرمت پناه و اول خان ذی شان حضرتلرینک صلح و صلاح بابنده اولدغی اقراره اعتماد ایدوب قلعه اوزرندن قالقوب اوز دیارمزه توجه ایتمشوز الحمدالله یکی طرفدن دخی اهل اسلام دور لر و بو لیامده اول خان عالیشان صادق القول و درست پیمان اولدوغی عمدی بیر نسنه اولنممشدر. ار باسدوقتی کسمز. مامول اولن بودر که شمیدینصرکه عسکر تعاقبنندن قزلباش منع ایدوب مراجعت ایده سیز عمده‌الاعظم و الاعیان مصطفی چاوشی عمله ایلله بو طرفه کوندره سیز کیم نیجه مرادنکز ایسه صلح قواعدی مستحکم ایدوب حضور عزته مکرر ادم کوندرمک مقرر دور باقی نه لازم در مروته لایق نه ایسه عمل ایده سیز.

^۲. متن اصلی نامه به ترکی: دولتو وسعادتو دستور مکرم مشیر مفخم نظام‌العالم مدیر امورالجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرای الصایب صدراعظم حضرتلرینک حضور لازم‌السرور لرنه دعوات وافیه و تحیات زاکیه ابلاغندنصرکه

تلفات عثمانی در این محاصره بسیار بالا بود، به طوری که اسکندر بیگ منشی می‌نویسد: «مکرراً سرداران روم به دیار عجم آمده کاری نساخته پریشان حال بازگشته‌اند اما در هیچ مرتبه به این پریشان حالی و رسوایی بازنگشته بودند» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۵۰). این مسأله در نامه شخصی یکی از نیروهای نظامی ارتش عثمانی خطاب به دوستش مورد تأیید قرار می‌گیرد و بنا بر گفته نویسنده بیش از دو سوم ارتش عثمانی در این محاصره کشته و اسیر شدند (Römer, 1989: 126). نکته اینکه هیچیک از منابع عثمانی جزئیاتی در مورد تلفات بسیار بالای عثمانی ن داده‌اند و این نامه خود نشانگر اهمیت اسناد در شناسایی بهتر وقایع تاریخی است.

نتیجه‌گیری

بررسی محاصره بغداد بر پایه مکاتبات موجود در نسخه خطی "مکاتب مختلفه" نشان می‌دهد که این رویداد را نمی‌توان صرفاً در قالب یک تقابل نظامی تحلیل کرد، بلکه باید آن را در پیوندی تنگاتنگ با کنش‌های دیپلماتیک، استدلال‌های مذهبی و ملاحظات حیثیتی دو دولت فهمید. مکاتبات مبادله‌شده میان زینل خان شاملو و حافظ احمد پاشا، لایه‌هایی از واقعیت تاریخی را آشکار می‌سازند که در منابع تاریخ‌نگاری متداول یا غایبند یا به صورت کلی و غیرجزئی بازتاب یافته‌اند. تحلیل این اسناد نشان داد که دو طرف از راهبردهای نظامی متفاوتی پیروی می‌کردند: قزلباشان در پی تحمیل نبرد مستقیم و تعیین‌کننده بودند، در حالی که عثمانیان با تکیه بر استحکامات و جنگ محاصره‌ای، راهبردی فرسایشی را دنبال می‌کردند. این تفاوت راهبردی، نه تنها در تحولات میدانی، بلکه در لحن و محتوای مکاتبات نیز بازتاب یافته است. در مراحل اولیه، نامه‌ها عمدتاً حاوی دعوت به نبرد، تهدید، و رقابت حیثیتی‌اند؛ حال آنکه در مراحل پایانی با تضعیف موقعیت عثمانیان، زبان مکاتبات به سوی توجیه، مصالحه و مدیریت پیامدهای عقب‌نشینی تغییر می‌یابد. از سوی دیگر، این مکاتبات نشان می‌دهند که دیپلماسی در این دوره نه امری جدا از جنگ، بلکه بخشی از فرایند آن

مکشوف ضمیر منیر قمر تنویر بودر که مکتوب محبت اسلوب المی؟ زمانده وارد اولوب مضمون صدق مقرونی مفهوم اولندی. بو تعاقبن سببی خاطر عالم ارالرنه میرهن در کیم عزتو تخته بیک حضرتلرینک بو طریقه کوچوروب اپاردقونکر ایدی یوقسه حاش لله که پادشاه والاجاه ملایک سپاه و بو قوللرنک قولنده بیر خلاف واقع اولا، ار اولاندن خلاف کلمز. مکتوب شریفیکزی درگاه عز وجاهه کوندروب بو محبکزی دخی طرفندن دولته لایق حقایق احوالی عرض ایدوب مراجعت اتدکده فرمان قضاچریان قدر توامان معاودته وارد اولوب یول اوزرنه براقدقکز کلام شریفه عبور ایدوب عود اولندی. انشالله الرحمن شمدنصرکه اولکه لوازم محبت و اتحاد اوله بو طرفدن ظهور ایدوب طرفینه اصلاح بالقدر و الامکان سعی اولنور. قاپوچی باشی محمدآغا، عمده الاعیان مصطفی آقا ایله خدمت شریفکزه کوندرمک مقرر در والسلام

بوده است. نامه‌ها هم‌زمان کارکردهایی چون اعمال فشار روانی، مشروعیت‌سازی مذهبی و آزمودن امکان مصالحه را برعهده داشته‌اند. به ویژه در مرحله پایانی محاصره، نامه‌های حافظ احمد پاشا به خوبی گویای تلاش برای خروج آبرومندانه از یک بن‌بست نظامی است. سخن پایانی اینکه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استفاده از اسناد مکاتباتی می‌تواند در تکمیل و در مواردی نیز برای بازنگری جزئی در روایت‌های تاریخ‌نگاری موجود، نقش مؤثری ایفاء کند. بر این اساس، مطالعه مجموعه‌هایی چون "مکاتب مختلفه" نه‌تنها برای بازسازی دقیق‌تر رویدادهای خاص، بلکه برای فهم عمیق‌تر شیوه‌های تعامل سیاسی و نظامی در دوره صفوی اهمیتی اساسی دارد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها، نسخه‌های خطی و مقالات:

- بهاری سیستانی، ملک‌شاه حسین، (۱۳۸۶)، *تذکره خیرالبیان*، پایان‌نامه، دانشگاه اصفهان.
- پچوی، ابراهیم، (۱۲۸۳)، *تاریخ پچوی*، جلد ۱ و ۲، استانبول: مطبعه عامره.
- ترکمان، اسکندر بیگ منشی، (۱۳۸۷)، *عالم‌رای عباسی*، به‌کوشش: ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن حسینی، (۱۳۷۸)، *روضه‌الصفویه*، به‌تصحیح: غلامرضا مجد طباطبایی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خوشگو، بندرا بن داس، (۱۳۸۹)، *سفینه خوشگو*، به‌تصحیح: سید کلیم اصغر، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کاتب چلبی، فذلکه التواریخ، نسخه کتابخانه ملی اتریش، بخش HO 64 نسخه شماره ۱۰۶۴.
- مکاتب مختلفه، نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شماره ۳۳۴۹.
- ملازئی، یاسر، نامه‌های دیپلماتیک ایران با همسایگان در دوره صفوی (بررسی و تحلیل نسخه خطی مکاتیب مختلفه)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تابستان ۱۴۰۱ - شماره ۹۱، صص. ۱۲۲-۱۰۳.
- نعیما، مصطفی، (۱۲۸۰)، *تاریخ نعیم*، استانبول: [بی‌نا].
- نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۷۸)، *تذکره نصرآبادی*، به‌کوشش: احمد مدقق یزدی، یزد: انتشارت دانشگاه یزد.
- واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی، (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض‌الشعرا*، مقدمه، به‌تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

لاتین:

Khuzani Isfahani, Fazli Beg, *Afzal al-Tawarikh*, Vol. 3. Edited by Kioumars Ghareghlou, Cambridge: Gibb Memorial Trust, 2015.

- Uzunçarşılı, İ. H. (1988), *Osmanlı tarihi*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Römer, C. (1989), Die osmanische Belagerung Bagdads 1034-35/1624-25. Ein Augenzeugenbericht, *Der Islam*, 66, 119-136
- Römer, C. (2022), *Elements of Türkī-yi ‘acemī in an eyewitness report on the Ottoman siege of Baghdad (1034–35/1625–26) preserved in Iskandar Munšī’s ‘Ālam-ārā-yi ‘Abbāsī*. In T. Paić-Vukić, A. Abadžić Navaey, M. Andrić, B. Kerovec, & V. Kursar (Eds.), *Turkologu u čast! Zbornik radova povodom 70. rođendana Ekrema Čauševića* (pp. xx–xx), FF Press.

پیش از انتشار